



The First Six Verses of Sūra al-Mursalāt A Critical Consideration Based on the Interpretation of the Qur'ūn by itself

Leylā 'AlīKhānī

PHD in *Qur'an* and Hadith Studies.
(Corresponding author: alikhaneila27@gmail.com)

Amīr Jūdavi

Associate professor in Quran and Hadith Studies,
Faculty of Theology, Yazd University, Yazd, Iran.

Ahmad Zare' Zardīnī

Associate professor in Quran and Hadith Studies,
Faculty of Theology, Meybod University, Meybod, Iran.

Abstract

The first six verses in Surah al-Mursalāt are examples of verses from which the commentators have understood different meanings. It seems that the type of selection and arrangement of words in these verses has made it difficult to understand the meaning; a difficulty that the previous and subsequent contexts of the verses do not diminish, and this issue has led many commentators to understand an example of it. The argument of some other commentators who have chosen the approach of leaving a specific example is based solely on the application of these verses. The present article uses a descriptive-analytical method by explaining the opinions and arguments of commentators, relying on the interpretation of the Qur'an to the Qur'an and counting the narrations, presents the preferred view in not being exclusive to an example. Also evaluate the selected view by explaining the context of the verses and determining the purpose of Surah al-Mursalāt. The result of the reasons is that the limitation of the six verses on a single instance reduces the semantic meaning of the words used in the verses. Therefore, it seems that the verses under study include several examples, which are: Riyāh, angels, verses, prophets and spiritual successors.

Keywords: Mursalāt, Riyāh, al-Malā'ika, Al-Anbiyā', Al-Awṣiyā'.

Original Research

Received: 23/ 9/ 2021, accepted: 22/ 2/ 2022, and published: 4/ 7/ 2022, Pages: 11-34.

Publisher: Mashhad Faculty of University of Quranic Theology and Awareness.

Print ISSN: 2783-5294

Online ISSN: 2783-5308

Open access in web address: <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

DOI:

NOTE: Latin transliteration of the bibliography is included in the final pages of this article.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شش آیه آغازین سوره مرسلات نقد آراء تفسیری بر پایه تفسیر قرآن به قرآن

لیلا علیخانی

دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث

(نویسنده مسئول: alikhanileila27@gmail.com)

امیر جودوی

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

احمد زارع زردینی

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آیه الله حائری میبد، میبد، ایران.

چکیده

شش آیه آغازین سوره مرسلات از جمله آیاتی است که مفسران مفرداتش را به شیوه‌های مختلف تفسیر نموده‌اند. به نظر می‌رسد نوع‌گزینش و چینش واژگان در این آیات صعوبت درک معنا را به همراه داشته است؛ صعوبتی که زمینه‌های پیشین و پسین آیات نیز از آن نمی‌کاهد و همین مسئله بسیاری از مفسران را به فهم مصداقی از آن مفردات سوق داده است. چنان‌که خواهیم دید، استدلال بعضی دیگر از مفسران هم که به خروج از مصداقی خاص و تعمیم مفاد آیه تمایل نشان داده‌اند صرفاً تکیه بر اطلاق آیات مزبور است. در مطالعه حاضر با روش توصیفی - تحلیلی خواهیم کوشید پس از تبیین آراء و استدلال‌های مفسران، با تکیه بر تفسیر قرآن به قرآن و احصاء روایات، دیدگاه برگزیده مبنی بر عدم انحصار به یک مصداق را مطرح کنیم و با تبیین سیاق آیات و تعیین هدف سوره مرسلات، این خوانش را ارزیابی و از آن دفاع نماییم. مجموع شواهد نشان می‌دهد که حصر آیات شش‌گانه بر مصداقی واحد سبب کاهش معنایی واژگان کار بسته در این آیات است. به نظر می‌رسد این آیات مصادیق متعددی را شامل می‌شوند که عبارت اند از: ریح، ملانکه، آیات، انبیاء و اوصیاء.

کلیدواژه‌ها: مرسلات، ریح، ملانکه، انبیاء، اوصیاء.

مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱ ش، پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۳ ش، نشر: ۱۴۰۱/۴/۱۳ ش، صفحه ۱۱ تا ۳۴.

ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی مشهد)

شاپای چاپی: ۲۷۸۳-۵۲۹۴

شاپای الکترونیکی: ۲۷۸۳-۵۳۰۸

دسترسی آزاد: پایگاه اینترنتی <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

DOI:

درآمد

سوره مُرْسَلَات هفتاد و هفتمین سوره قرآن و مکی است. شش آیه آغازین این سوره از جمله آیاتی است که مفسران از آن‌ها معانی مختلفی فهمیده، و دیدگاه‌های متعددی را درباره معنای آن‌ها بیان داشته‌اند:

وَ الْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا * فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا * وَ النَّاشِرَاتِ نَشْرًا * فَالْفَارِقَاتِ فَرَقًا *
فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا * عُذْرًا أَوْ نُذْرًا (مرسلات/ ۱-۶).

تعبیر به کاررفته در این آیات مثل «مرسلات»، «عُرف»، «عاصفات»، «ناشرات»، «فارقات» و... برای مفسران مختلف موضوع بحث واقع شده‌اند. برخی مفسران در فهم آیات مزبور به این گرایش یافته‌اند که بگویند آیه‌ها درباره امری بخصوص بحث می‌کنند. البته هرکدام برای کشف موضوع بحث در این آیات به مصداقی بخصوص تمایل نشان داده‌اند. از میان این مفسران عده‌ای موضوع بحث در این شش آیه را یک موضوع دانسته‌اند و به عکس، شماری دیگر نیز در توضیح مفردات یادشده چنان عمل کرده‌اند که به زحمت می‌توان بحث همه آیات را مرتبط با یک موضوع دانست. اینان با تمسک به ظاهر آیات، از امکان و صحت دلالت آیات یادشده بر معانی و مصادیق چندگانه دفاع کرده‌اند. در مطالعه پیش‌رو درصدد ایم تا با روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از دلالت‌های عقلی و نقلی به نقد و بررسی دیدگاه مفسران در فهم آیات مزبور پردازیم.

طرح مسئله

مقالات متعددی با موضوع تحلیل گفتمان سوره مرسلات نوشته شده است (تنها برای چند نمونه، بنگرید به: سرپرست، فلاح، نوش‌آبادی، سراسر همه مقالات). با این حال، در هیچ یک از آثار مذکور آیات آغازین سوره مرسلات با این هدف که مشخص شود در این آیه‌ها دقیقاً درباره چه بحث می‌شود موضوع بررسی نبوده است.

مطالعه پیش‌رو برای حل همین مسئله صورت می‌گیرد. می‌خواهیم بدانیم که اولاً، مفسران مختلف در توضیح این آیات شش‌گانه و کشف موضوع بحث در آن‌ها چه آرائی را ابراز داشته‌اند؛ ثانیاً، چه نقدهایی بر این آراء وارد است؛ و ثالثاً، با تکیه بر شواهدی از خود متن قرآن

کریم و بیرون از آن به چه فهمی از این آیه‌ها می‌توان دست یافت. بدین منظور نخست آراء مفسران دربارهٔ آیات شش‌گانهٔ آغاز سوره را تبیین خواهیم کرد، سپس با تکیه بر دلایل لغوی، قرآنی و روایی از امکان تعدد مصادیق در فهم آیات دفاع خواهیم کرد، و بالاخره با تکیه بر سیاق و غرض سوره دیدگاه مرجح را باز خواهیم نمود.

۱. آراء مفسران دربارهٔ موضوع بحث در آیات

گام نخست از مطالعهٔ فوق باید همین باشد که ببینیم مفسران مختلف چه مصادیقی را برای مرسلات برشمرده‌اند. بدین منظور، نخست مشهورترین آراء را بیان می‌داریم و در ادامه سراغ آرائی می‌رویم که کم‌تر از شهرت برخوردار شده‌اند.

۱-۱) مشهورترین آراء

عده‌ای از مفسران، شش آیهٔ آغازین را دربارهٔ ملائکه دانسته‌اند. معنای لغوی واژگان عاملی مؤثر در چنین برداشتی بوده است. برای نمونه، طباطبایی از معاصرانِ قائل به این رأی، بر اساس دلالت واژهٔ «عُرف» بر تعاقب و پشت سر هم واقع شدن، «عصف» بر سرعت سیر، «نشر» بر گشودن و «فرق» بر جدایی حق از باطل، چنین نتیجه می‌گیرد که این آیات اشاره به ملائکه‌ای دارند که پشت سر هم روانه می‌شوند و با سرعت سیری همچون بادهای تند، مأموریت خود را انجام می‌دهند. آنان صحیفه‌های وحی را برای دریافت پیامبر (ص) می‌گشایند و جداکنندهٔ حق و باطل اند. ملائکه ذکر — به معنی قرآن یا مطلق وحی — را بر پیامبر اکرم و دیگر انبیاء (ع) القاء می‌کنند تا حجت بر تکذیب‌گران تمام شود و تهدیدی برای غیر باشد (طباطبایی، *المیزان*، ۲۰/۱۴۵-۱۴۷).

همین رأی در نوشته‌های تفسیری مختلف با حمل واژگان مزبور بر مصادیقی دیگر از عمل کرد ملائکه نیز دیده می‌شود. بر پایهٔ آراء اینان تفسیر «عُرف» به تعاقب و پی‌درپی روان شدن موجب تطبیق آیهٔ نخستین بر ملائکه‌ای گشته است که برای ایصال نعمت یا نقتت ارسال می‌شوند. کاربرد «عصف» در زبان عربی در عباراتی مثل «عَصَفَ بالشیء» به معنای نابودی و هلاکت شیء سبب تفسیر آیهٔ دوم به سختی جان ستاندن ملائکه از کفار شده است. به همین ترتیب، آیهٔ سوم نیز با نظر به معنی لغوی «نشر» و در تقدیر گرفتن متعلق محذوف بر

معنای گشودن بال‌های ملانکه هنگام نزول بر زمین، گسترش شرایع در زمین، نشر رحمت و عذاب، یا گشودن نامه اعمال انسان‌ها در قیامت توسط ملانکه حمل شده است (بنگرید به: زمخشری، *الکشاف*، ۶۷۷/۴؛ فخر رازی، *التفسیر الکبیر*، ۷۶۴/۳۰).

برخی مفسران هم سوگندهای آیات آغازین سورهٔ مرسلات را در ارتباط با بادهای فهمیده‌اند (مثلاً بنگرید به: میدانی، *معارج التفکر*، ۵۵۴/۲؛ خطیب، *التفسیر القرآنی للقرآن*، ۱۵/۱۳۹۰). کاربردهای قرآنی مادهٔ «ارسال» دربارهٔ بادهای در آیاتی نظیر: «يُؤَسِّلُ الرِّيَّاحَ» (روم/۴۶) یا «وَأَرْسَلْنَا الرِّيَّاحَ» (حجر/۲۲) سبب حمل «مُرسلات» بر «ریاح» و تسری همین معنا بر معنای آیات پسین گشته است. توجه به معنی لغوی «عصف» و «نشر» در کنار دیگر کاربردهای قرآنی واژگان فهم چنین معنایی از آیات دوم و سوم را نزد مفسران مقبول ساخته است که: این بادهای شدت می‌گیرند و به صورت تندباد در می‌آیند، بادهای رحمت ابرها را در فضا می‌گسترند؛ و بادهای گسترانندهٔ گیاهان اند (برای دیگر کاربردهای قرآنی دو واژه یادشده، بنگرید به: نمل/۶۳؛ روم/۴۸؛ حجر/۲۲).

قائلان به دیدگاه مزبور، با توجه به معنی لغوی «فرق»، آیهٔ چهارم — فَأَلْفَارِقَاتٍ فَرَقًّا — را نیز بر جدایی اجزاء ابرها در اثر وزش باد، یا انفکاک انسان‌ها حمل کرده‌اند. مقصود از جدایی انسان‌ها ظهور اختلاف بین دوستان و دشمنان خداوند به سبب ویرانی قریه‌ها توسط ریاح (حاقه/۶) یا بروز تفاوت میان مُثَر و منکر به هنگام ایجاد بادهای مختلف و توالی آثار عجیب آن همچون جنبش بادهای و تخریب دیار دانسته شده است. بنابراین، بادهای القاء‌کنندهٔ «ذکر» نیز خواهند بود؛ زیرا فرد عاقل با مشاهدهٔ بادهایی که قلعه‌ها را نابود و صخره‌ها و کوه‌ها را ویران می‌کند و موجب بالا آمدن امواج می‌شود به ذکر خدا تمسک می‌جوید و به یاری پروردگار متوسل می‌شود. پس گویی بادهای ذکر و ایمان و عبودیت را در قلب آدمی ایجاد می‌کنند (فخر رازی، *التفسیر الکبیر*، ۷۶۵/۳۰؛ نیز، بنگرید به: مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، ۳۹۸/۲۵).

نزد برخی مفسران قرآن‌پژوه تفسیر آیات بر بادهای پذیرفتنی نیست. از این نظرگاه، گرچه دو تعبیر آغازین با صرف‌نظر از سیاق می‌تواند مختصر ظهوری در بادهای تند و پشت‌سرم داشته باشد، حمل تمامی صفات پنجگانهٔ یادشده بر بادهای ممکن نیست؛ زیرا عبارت «فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا عُدْرًا أَوْ نُذْرًا» تصریح بر نزول ملانکه حامل وحی بر رسولان خدا به قصد اتمام حجت و

انذار و سایر اغراض دارد و حمل آن بر باها مستلزم تکلف شدید در ارائهٔ توجیحات است (بنگرید به: طباطبایی، المیزان، ۲۰/۱۴۵).

برخی عالمان مسلمان هم آیات مورد بحث را ناظر به قرآن دانسته‌اند. بر پایهٔ این دیدگاه مقصود از «وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا» آیاتی است یک‌سره نیک و خیر که پی‌درپی بر زبان جبرئیل به سوی پیامبر اکرم (ص) نازل می‌شود. آیهٔ «فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا» عظمت و چیرگی دولت اسلام و قرآن بر سایر ادیان و دولت‌ها را پس از دوران ضعف ابتدائی آن نشان می‌دهد. «وَالنَّاسِرَاتِ نَشْرًا» بیانگر نشر و گسترش آثار حکمت و هدایت در قلوب جهانیان، و «فَالْفَارِقَاتِ فَرْقًا» گواه جدایی حق و باطل توسط آیات است. از این منظر، هم‌خوانی عبارت «فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا» نیز با «ذکر» خوانده‌شدن قرآن در دیگر سوره‌ها (برای نمونه، بنگرید به: ص/۱؛ زخرف/۴۴؛ انبیاء/۵۰)، شاهدی دیگر دربارهٔ دلالت آیات بر قرآن است (فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۳۰/۷۶۶). رأی مشهور چهارم نیز که بعضی مفسران ابراز داشته‌اند این است که آیات مورد بحث دربارهٔ بعثت انبیاء (ع) است. با چنین فرضی، مصداق عبارت «وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا» اشخاصی هستند که با وحیی دربردارندهٔ همهٔ نیکویی‌ها ارسال گشته‌اند. «فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا» گویای استحکام امر رسولان پس از ضعف نخستین و قوت گرفتن آن‌هم چون وزش باد، و «وَالنَّاسِرَاتِ نَشْرًا» هم بیانگر انتشار دین، مذهب و گفتار این انبیاء است؛ انبیائی که بین حق و باطل و توحید و الحاد فرق می‌نهند (فَالْفَارِقَاتِ فَرْقًا) و مردم را به ذکر خدا دعوت، و بدان تشویق می‌کنند: «فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا» (فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۳۰/۷۶۶).

۲-۱ دیدگاه گرایندگان به جمع میان آراء

برخلاف مفسران پیشین که شش آیهٔ آغازین سورهٔ مرسلات را حمل بر یکی از چند معنای یادشده می‌کردند، شماری نیز آیات را ناظر به چند مورد از معانی پیشین دانسته، و میان معانی مختلف جمع کرده‌اند. به باور آنان سه آیهٔ نخست بر ریا، و دو آیهٔ پسین بر ملائکه دلالت دارد (برای نمونه، بنگرید به: طبرسی، مجمع البیان، ۱۰/۶۲۹-۶۲۸؛ فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۳۰/۷۶۷-۷۶۶؛ سبزواری، الجدید، ۱۷/۲۹۱-۲۹۰).

با رویکردی مشابه، بعضی دیگر از مفسران صرفاً دو آیهٔ نخستین را بر ریا، و سه آیهٔ بعد را بر ملائکه حمل کرده‌اند. برای نمونه، برخی عطف آیهٔ دوم با حرف فاء بر آیهٔ اول و جداسازی

آیه سوم با حرف واو، و نیز عطف دو آیه بعدی با حرف فاء بر آیات قبل را دلیل تمایز مفهومی دو آیه آغازین از سه آیه بعد می‌دانند (بنگرید به: فخر رازی، *التفسیر الکبیر*، ۳۰ / ۷۶۷). این دیدگاه دقیقاً در تقابل با دیدگاه کسانی قرار می‌گیرد که حمل دو آیه اول بر ریح و دو یا سه عبارت بعدی بر ملائکه را — به سبب بی‌تناسبی میان بادهای پیاپی و ملائکه وحی به منظور قرارگیری در سیاق واحد سوگندها — بر نمی‌تابند و توجیهاات را در این باره معانی بعید از ذهن می‌انگارند (طباطبایی، *المیزان*، ۲۰ / ۱۴۵).

یکی دیگر از دیدگاه‌های مبتنی بر جمع میان معانی آن است که دو آیه آغازین بر ملائکه رحمت و عذاب، و سه آیه پسین را بر آیات *قرآن* حمل کنند (بنگرید به: فخر رازی، *التفسیر الکبیر*، ۳۰ / ۷۶۷). از همین قبیل است نظر برخی معاصران که چهار آیه آغازین را درباره ریح و دو آیه بعدی را درباره ابرها می‌دانند (خطیب، *التفسیر القرآنی للقرآن*، ۱۵ / ۱۳۹۰ - ۱۳۹۳). از میان مفسران کهن، طبری گرچه تصریح نمی‌کند که با جمع میان معانی موافق‌تر است، برداشتی از آیات بازمی‌نماید که نشان می‌دهد او خود نیز چنین رویکردی دارد. او ذیل آیه «وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا» می‌گوید خداوند به هرآنچه صفتش این گونه است قسم می‌خورد و هرآنچه چنین ویژگی‌هایی داشته باشد، شامل سوگندها می‌شود؛ خواه ملائک، بادهای یا رسولانی از میان انسان‌ها (طبری، *جامع البیان*، ۲۹ / ۱۴۱).

وی در تفسیر «وَالنَّائِبَاتِ نَشْرًا» نیز می‌گوید که در آیه دلیلی بر تخصیص مصادیق نیست (همو، ۲۹ / ۱۴۲)؛ یا به عبارت دیگر، دلیلی نداریم که مفهوم آیه با قرینه‌ای لفظی تخصیص خورده باشد. با همین رویکرد وی در تفسیر آیه چهارم نیز بیان می‌دارد که بهترین دیدگاه در این باره آن است که گفته شود: خدا به «فارقات» سوگند یاد کرده، و مصادیق آن را تخصیص نزده است؛ پس در آیه به هر فرق‌گزارنده‌ای میان حق و باطل قسم یاد می‌شود؛ خواه ملائکه، *قرآن*، یا جز آن‌ها (همو، ۲۹ / ۱۴۲ - ۱۴۳)؛ نیز برای رویکردی مشابه، بنگرید به: فضل‌الله، *من وحی القرآن*، ۲۳ / ۲۹۰).

۳-۱) تبیین دیدگاه برگزیده برپایه سیاق

یکی از ملاک‌های ارزیابی فهم آیات همین است که آن‌ها را با محور موضوعی و هدف سوره بسنجیم. این سنجش با توجه به قرارگیری آیات یادشده در مطلع سخن و در ساختار

نحوی سوگندها واجد اهمیت ویژه‌ای است. بدین منظور لازم است به تحلیل محتوای سورهٔ مرسلات و تبیین نحوهٔ ارتباط محورهای موضوعی آن پردازیم.

بدین منظور، نخست لازم به توجه است که سورهٔ مرسلات هفتاد و هفتمین سورهٔ قرآن، مکی، و دربردارندهٔ ۵۰ آیه است، به شهادت سیاق آیتش دربارهٔ «قیامت» سخن می‌گوید، و در آن دربارهٔ حقانیت معاد از جنبه‌های مختلفی بحث می‌شود: نخست نشانه‌های یادآور وعدهٔ خدا یعنی تحقق معاد و حتمیت وقوع آن در آیات ۱-۷ بیان می‌شود. سپس در آیات ۸-۱۱ از حوادثِ مقارنِ وقوع قیامت به مثابهٔ یکی از شواهد حتمیت وقوع قیامت سخن می‌رود. در ادامه، آیات ۱۲-۱۵ به تبیین عظمت روز قیامت اختصاص می‌یابند، از داوری خدا و جدایی صفوف مؤمنان و منکران سخن می‌رود و بر همین پایه از قیامت به «یوم الفصل» تعبیر می‌شود. آیات ۱۶-۲۸ با استناد به محسوسات و مشهودات، درصدد رفع تصورات و توهماتِ تکذیب‌کنندگان دربارهٔ امکان معاد است. رفع این تصورات در سورهٔ مرسلات با ذکر شواهد محسوس و نمونه‌های دنیوی هلاکت و جدایی گنهکاران از نیکوکاران، قدرت خدا در آفرینش اولیهٔ انسان‌ها، و هم‌سویی آیات آفاقی با زندگی دنیوی او سامان می‌پذیرد. در آیات ۲۴-۴۵ نیز با تبیین وضعیت منکران و معتقدان و مرز میان این دو تأثیر باور به معاد بر سعادت انسان تبیین می‌شود. در پایان، آیات ۴۶-۵۰ نیز با تأکید بر فانی بودن زندگی دنیوی به تبیین چرایی وضعیت اخروی تکذیب‌کنندگان اختصاص یافته است.

محورهای موضوعی یادشده با محورهای فرعی‌تری پشتیبانی می‌شوند که مرور آن‌ها در جدول شمارهٔ ۱ می‌تواند ما را به درک بهتر سیاق سوره رهنمون شود. چنان‌که در این جدول می‌توان دید، بر حسب میزان تأکیدات صورت‌گرفته در آیات و نیز میزان فراوانی بحث‌ها باید حکم کنیم که مهم‌ترین موضوع یادشده در این سوره حقانیت معاد و وضعیت اخروی تکذیب‌گران معاد است. از دیگر سو، توالی مجموع مطالب و عناوین هم سبب می‌شود حکم کنیم غرض سورهٔ مرسلات اتمام حجت خدا بر تحقق معاد است. گویی در این سوره بناست پیایی بر این هشدار تأکید رود که حجت خدا با بندگان از طریق ارسال رسولان کامل شده، و زمینهٔ رویارویی انسان‌ها با پیامد اعمال‌شان فراهم آمده است.

جدول شماره ۱: سیاق پیش‌نهادی برای سورهٔ مرسلات		
آیات	محور اصلی بحث	محورهای فرعی
۱-۷	مقدمه	سوگند به آیات یادآور وعده خدا
۸-۱۱	حوادث مقارن وقوع قیامت	محو ستارگان، شکافتن آسمان، کنده‌شدن کوه‌ها، و به میقات آمدن رسولان.
۱۲-۱۵	بیان عظمت قیامت و هشدار به تکذیب‌گران	
۱۶-۱۹	مقدمه‌ای برای بحث تبیین امکان و ضرورت معاد	توضیح بازگشت اعمال انسان به او، هشدار به تکذیب‌گران، استشهاد بر نمونه‌های دنیوی هلاکت گنهکاران، توضیح پیامدهای انکار معاد
۲۰-۲۸	تبیین امکان معاد برپایه ذکر مظاهر قدرت خداوند	قدرت خدا در آفرینش انسان (آیات ۲۰-۲۴)، قدرت خدا در آفرینش آفاق (آیات ۲۵-۲۸)، هشدار به تکذیب‌گران (۲۴، ۲۸).
۲۹-۴۵	تأثیر اعتقاد به معاد در سعادت اخروی انسان‌ها	وضعیت اخروی منکران معاد (آیات ۳۵-۴۰)، توضیح رهسپاری اشخاص به سوی دوزخ (۲۹-۳۳)، ترسیم اوصاف رهسپاری مثل خاموشی و بی‌عذری و ناکارآمدی چاره‌ها (آیات ۳۵-۳۹)، و هشدار مکرر به تکذیب‌گران (آیات ۳۴، ۳۷، ۴۰). وضعیت اخروی معتقدان به معاد: پاداش‌های ایشان (آیات ۴۱-۴۲)، علت دریافت پاداش (آیات ۴۳-۴۴)، هشدار به تکذیب‌گران (آیه ۴۵).
۴۶-۵۰	هشدار به تکذیب‌گران با ترسیم عملکرد دنیوی آنان	فانی بودن نعمات دنیوی (آیه ۴۶)، گنهکاری تکذیب‌گران (آیه ۴۶)، عدم تواضع ایشان در برابر حق (آیه ۴۸)، ایمان نداشتن‌شان به قرآن (آیه ۵۰)، هشدار به تکذیب‌گران (آیات ۴۷، ۴۹).

۲. ارزیابی هدف سوره

اکنون جا دارد فرضیه پیش‌نهادی خود دربارهٔ هدف سوره را برپایه شواهد درون‌متنی و برون‌متنی مختلف بسنجیم.

۱-۲ آیات آغازین و پایانی سوره

عبارات آغازین و پایانی سخن بر زیبایی و بلاغت آن اثرگذار است. عالمان بلاغت از دیرباز حسن مطلع و حسن مقطع هر سوره را از جمله ویژگی‌های قرآن دانسته، و مقتضای چنین امری را ارتباط معنادار و عمیق آیات هر سوره با غرض و مقصود اصلی سوره دانسته‌اند. گاه گفته می‌شود پیوند میان آغاز و انجام سوره با محور اصلی بحث در آن طوری است که می‌شود

بدون مطالعهٔ آیات هر سوره و تنها با توجه به آغاز و انجام آن به غرض و موضوع اصلی سوره پی برد (خامه‌گر، *ساختار هندسی سوره‌های قرآن کریم*، ۱۷۰؛ نیز بنگرید به: همو، «تفسیر ساختاری...»، ۱۷۴-۱۷۵).

از جملهٔ مفسرانی که به ارتباط آیات ابتدایی و انتهایی سوره با غرض اصلی آن توجه کرده طباطبایی است. وی معتقد است که جز در چند مورد استثنایی — مانند سورهٔ مریم — در عموم سوره‌های طولانی غرض از سوره هم‌چون براعت استهلال در آغاز، و هم‌چون حسن ختام در پایان آن بیان می‌شود (طباطبایی، *المیزان*، ۱۴/۷۴).

اکنون با پذیرش همین مبنا می‌توان گفت یکی از شواهدی که دلالت آیات نخستین و پایانی را بر غرض اصلی سوره نشان می‌دهد وجود نام سوره در این آیات است؛ نامی که با بیانی نمادین و ظریف غرض سوره را باز می‌نماید (خامه‌گر، *ساختار...*، ۱۷۲-۱۷۳). نام سورهٔ مرسلات نیز چنین دلالتی دارد. مرسلات به معنی فرستاده‌شدگان است. موضوع آیات آغازین سوره یعنی سوگند به فرستاده‌شدگان خدا و اشاره به وظائف ایشان هم‌چون اتمام حجت و انذار انسان‌ها در تحقق معاد با فرضیهٔ پیش‌نهادی ما دربارهٔ هدف سوره سازگار است.

از دیدگرسو، موضوع آیات پایانی هم این فرضیه را تأیید می‌کند؛ آیاتی که دربردارندهٔ هشدار به تکذیب‌کنندگان معاد، تأکید بر فانی بودن دنیا، و تصریح به این است که عمل‌کرد دنیوی افراد بر وضعیت اخروی آنان تأثیر می‌گذارد.

۲-۲) اسم سوره

یکی از علائمی که مفسران را به کشف غرض سوره‌ها راهنمایی می‌کند اسم سوره است. هر اسمی بر مسمای خود دلالت دارد و باید میان اسم و مسمای رابطه‌ای نزدیک وجود داشته باشد. بر همین اساس، برخی مفسران تأکید می‌نمایند اسامی سوره‌های قرآن ارتباط عمیق و محکمی با مقصود و اغراض اصلی سوره دارند. حتی گاه برخی مفسران گفته‌اند اسم هر سوره آینهٔ تمام‌نمای اغراض آن است (بقاعی، *نظم الدرر*، ۱/۱۲). حتی اگر این دیدگاه را نپذیریم، باز نمی‌توانیم انکار کنیم که در اغلب موارد نام هر سوره دست‌کم به مسئله‌ای اشاره دارد اکثر

آیات آن سوره از آن سخن می‌گویند. برای نمونه، اکثر آیات سوره «برائت» دربارهٔ بیزاری جستن از مشرکان و منافقان است (بنگرید به: خامه‌گر، ساختار، ۱۵۸).

به‌رغم اعتقاد برخی مفسران مسلمان به توقیفی نبودن ترتیب آیات (برای نمونه، بنگرید به: طباطبایی، قرآن در اسلام، ۲۰۵)، بسیاری از ایشان اسامی سوره‌ها را توقیفی، و مرتبط با هدایتگری قرآن دانسته‌اند. برخی حتی فراتر از این، اسم هر سوره را از مهم‌ترین واژه‌های کلیدی سوره برشمرده‌اند که با آن می‌توان به اغراض سوره پی برد. از منظر اینان، قرآن کتابی ادبی است و در رعایت اصول ادبی معجزه‌ای بی‌بدیل و شگفت‌انگیز است. پس در نام‌گذاری سوره‌ها نیز باید اعجاز ادبی قرآن دیده شود. پس هم‌چنان‌که نام هر قطعهٔ ادبی از روح حاکم بر آن خبر می‌دهد، و بر اساس جزئیات بی‌ارزش یا مسائل فرعی یا صرفاً برپایهٔ تناسب کلمات آغازین و پایانی گزینش نمی‌شود، باید پذیرفت که اصلی‌ترین پیام هر سوره نیز در اسم آن تجلّی پیدا کرده است (خامه‌گر، ساختار، ۱۶۵).

اکنون برپایهٔ این مقدمات و البته با پذیرش فرضیهٔ توقیفی بودن نام‌گذاری سوره‌های قرآن می‌توان به نام سورهٔ مرسلات عطف نظر کرد: سوره را به دو نام «مرسلات» و «عرف» نامیده‌اند (بقاعی، نظم الدرر، ۸ / ۲۸۱). اگر به خاطر آوریم که موضوع کلی سوره بحث از معاد و قیامت است، گزینش نام «مرسلات» — به معنای فرستاده‌شدگان — به‌جای بسیاری دیگر از اسامی، می‌تواند نشان از آن باشد که در این سوره بناست بر پیوند میان معاد و فرستاده‌شدگان و تأکید رود؛ تأکیدی که اسباب و علل آن محتاج تأمل بیشتر است (بنگرید به: بخش بعد).

۳-۲) روایات فضائل و خواص سوره

فضیلت‌های مذکور برای قرائت سوره در روایات پیامبر (ع) و اهل بیت (ع) نیز با غرض سوره رابطه دارند و می‌توانند به ما در فهم غرض سوره‌ها یاری رسانند (در این باره، بنگرید به: خامه‌گر، ساختار، ۲۰۰). از جملهٔ این روایات همان است که از امام صادق (ع) نقل کرده‌اند: هرکه سورهٔ «والمّرسلات» را تلاوت کند خدا میان او و محمد (ص) آشنایی و معرفت افکند (ابن بابویه، ثواب الاعمال، ۱۲۱؛ حویزی، نور الثقلین، ۵ / ۴۸۷).

بر پایهٔ این روایت، آشنایی با پیامبر (ص) هم چون مهم‌ترین مصداق مُرسلات (فرستادگان الهی)، نتیجهٔ منطقی تلاوت سوره و سازگار با نام سوره، آیات آغازین و هدف آن است. مطابق گزارشی دیگر، پیامبر (ص) در پاسخ شخصی که علت پیری زود هنگام آن حضرت را جویا شد، فرمود: «سورهٔ هود، واقعه، مرسلات و عم یتسانلون مرا پیر کرد» (ابن بابویه، *الخصال*، ۱/ ۱۹۹؛ حویزی، ۵/ ۴۸۷). حدیث مزبور هم با محتوای سوره یعنی بزرگ دانستن قیامت و ترس آفرین بودن وضعیت اخروی تکذیب‌کنندگان هماهنگی دارد.

روایت دیگری هم دربارهٔ خواص سورهٔ مرسلات نقل شده است. بر پایهٔ آن ابی بن کعب، صحابی مشهور، از پیامبر نقل می‌کند که فرمودند هرکه سورهٔ مرسلات را قرائت کند ثبت می‌شود که از مشرکان نیست (طبرسی، *مجمع البیان*، ۱۰/ ۶۲۷؛ حویزی، ۵/ ۴۸۷).

باین حال، اشارهٔ صریحی به بحث از توحید یا شرک در سورهٔ مرسلات نمی‌توان یافت و براین پایه پذیرش صدور چنین روایتی از پیامبر اکرم (ص) دشوار است.

۳. نظائر آیات آغازین سورهٔ مرسلات

با توجه به شفاف نبودن دلالت آیات آغازین سورهٔ مرسلات، ملاحظهٔ جامع‌تر آیات مرتبط با مضامین محتمل این آیه‌ها در سراسر قرآن ضروری است.

۱-۳) مفهوم «ریاح»

چنان‌که گفته شد، برخی مفسران بادهای تند (ریاح) را از مصداق مرسلات برشمرده بودند. در مواضع متعدد قرآن هم نشینی «ریاح» با مشتقات ارسال دیده می‌شود: «وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ» (فرقان/ ۴۸)؛ «وَلَكِنَّ أَرْسَلْنَا رِيحًا» (روم/ ۵۱)؛ «وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ» (حجر/ ۲۲). به جز مادهٔ مزبور، کاربرد لفظ «عاصف» دربارهٔ بادهای را نیز می‌توان در قرآن دید: «جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ» (یونس/ ۲۲)؛ «وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً» (انبیاء/ ۸۱).

در آیات دیگر نیز گفته می‌شود که بادهای ابرها را در فضا می‌گسترانند:

اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ (روم/ ۴۸)

از اسباب نزول باران هستند:

وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا
(فرقان/۴۸؛ نیز بنگرید به: حجر/ ۲۲)

و این نزول باران نیز نشر و احیای زمین را در پی دارد:

وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ» (زخرف/ ۱۱).

انتساب چنین عمل کردی به ریح سازگاری آن را با آیه: «وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا» موجه می‌سازد.

افزون بر این، آیات یادشده گواه امکان انتساب «فرق» در دومین آیه سورهٔ مرسلات به ریح است؛ زیرا عمل کرد بادهای عذاب و رحمت «فرق» یا همان جدایی حق از باطل را در پی دارند: قرآن بعضی بادهای را عامل عذاب:

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحِسَاتٍ لِنُذِقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ
الدُّنْيَا» (فصلت/ ۱۶)

وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ * مَا تَدْرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ
كَالرَّمِيمِ» (ذاریات/ ۴۱-۴۲)

و برخی دیگر را مایه رحمت:

وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ (اعراف/ ۵۷)

یا از اسباب یاری و نصرت مؤمنان در برابر کفار:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَ
جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا (احزاب/ ۹).

می‌شناساند. به جز دلالت بر معنای جدایی حق از باطل، واژه «فرق» بر معنای شکافتن هم دلالت می‌کند. نمونه‌ای از این کاربرد را در آیه: «وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ» (بقره/ ۵۰) می‌توان دید. گویی در آیات نخست سورهٔ مرسلات نزول باران که به دنبال وزش بادهای و جابجایی ابرها اتفاق می‌افتد موجب شکافتن زمین، دانه‌ها و رویش گیاهان می‌گردد:

وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ (أعراف / ۵۷).

ریاح را می‌توان از مصادیق القاء‌کنندگان «ذکر» هم به شمار آورد. در قرآن از وزش باد و احیاء زمین بر معاد انسان‌ها استدلال شده است:

وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيِّتًا كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ (زخرف / ۱۱).
وَاللَّهُ الَّذِي أَوْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ (فاطر / ۹).

آیاتی نیز احیاء زمین را که با ارسال بادهای پیوندی دارد عامل ذکر می‌شناسانند:

وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (أعراف / ۵۷)
وَهُوَ الَّذِي أَوْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَّيِّتًا وَ لَقَدْ صَرَّفْنَا فِيهِمْ لِيَذَكَّرُوا... (فرقان / ۴۸-۵۰).

در آیاتی دیگر نیز وزش باد موجب یاد خدا و بازگشت به خداشناسی شناسانده می‌شود:

هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرَبَ بِهَيْمٍ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنِ أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (يونس / ۲۲).

۲-۳) کلمات کلیدی دیگر

چنان‌که پیش از این هم گفته شد، مفسران مختلفی ملائکه، آیات، انبیاء و اوصیاء را مصداق مرسلات برشمرده بودند. آیات قرآن کاربست مشتقات ماده ارسال را درباره انبیاء:

وَ كَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيٍّ فِي الْأَوَّلِينَ (زخرف / ۶)
ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ (مؤمنون / ۴۵)

درباره ملائکه:

اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ (حج/ ۷۵)
 وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكْلِمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحِيًّا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ
 بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيُّ حَكِيمٌ (شوری/ ۵۱)
 الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا (فاطر/ ۱)

و هم چنین درباره آیات الهی:

وَ مَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأَوَّلُونَ وَ آتَيْنَا ثُمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً
 فَظَلَمُوا بِهَا وَ مَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا (اسراء/ ۵۹)

نشان می دهند.

از آن سو، بر پایه آیات دیگر نیز می دانیم که رسولان، ملائکه و آیات همگی به امور پسندیده و نیک فرامی خوانند: «وَ أُمِّرَ بِالْعُرْفِ» (اعراف/ ۱۹۹). واژه پڑوهان «عرف» را پی در پی بودن چیزی نیز معنا کرده اند. مثلاً گفته اند: «جاء القَطَا عُرْفًا» یعنی «مرغان سنگ خواره پی پی آمدند (راغب اصفهانی، مفردات، ۵۶۱).

در قرآن با تعبیر دیگری نیز به این پی در پی آمدن رسولان الهی اشاره می شود:

وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ قَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ (بقره/ ۸۷)
 ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِمْ بِرُسُلِنَا (حدید/ ۲۷)
 ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا (مؤمنون/ ۴۴).

ارسال پی پی رسولان مستلزم ارسال پی در پی ملائکه:

وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجَالًا نُوحِيَ إِلَيْهِمْ (نحل/ ۴۳؛ یوسف/ ۱۰۹)

و آیات و نشانه های الهی است:

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاؤُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ (روم/ ۴۷)
 لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ (حدید/ ۲۵).

در ارزیابی سازگاری مصادیق پیشین با آیه دوم تبیین معنای لغوی «عصف» نقشی کلیدی

دارد. خلیل بن احمد آن را به معنی سرعت در هر چیزی می داند (خلیل بن احمد، العین، ۱/

(۳۰۷). ابن فارس اصل ماده «عصف» را به معنای چابکی و سرعت می‌شناساند (ابن فارس، مقایس اللغه، ۴ / ۳۲۸). از معاصران نیز، مصطفوی آن را سرعت همراه با شدت معنا می‌کند. به طبع چنین شدتی بسته به مورد می‌تواند معنای متفاوتی داشته باشد. برای مثال، کاربرد عصف دربارهٔ کسب مرد به معنی فعالیت شدید و سریع وی برای تأمین معاش خانواده، و دربارهٔ رفت‌وآمد به معنی سرعت در حرکت است (مصطفوی، التحقیق، ۸ / ۱۵۱). بنابراین، تفسیر آیه بر انبیاء و ملائکه — که در امثال اوامر الهی به سرعت اقدام می‌کنند — یا بر آیات الهی — که به سرعت فراگیر می‌شوند — بی‌اشکال به نظر می‌رسد.

اطلاق واژه «نشر» در آیه «وَالنَّاسِرَاتِ نَشْرًا» و مقید نبودن آن سبب می‌شود که حمل مصادیق مختلف بر آن ممکن باشد؛ مصادیقی مانند نشر و توسعهٔ کتب آسمانی، دین خدا، رحمت الهی و غیره که با توجه این‌که نشردهنده چه کسی باشد قابل تعیین است. ماده «نشر» در قرآن در معانی‌ای نظیر گستردن رحمت:

وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ (شوری / ۲۸)

فَأَوْوَا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرُ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ (کهف / ۱۶)

گشودن صحف، طومار و کتاب‌ها:

وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ (تکویر / ۱۰)

فِي رَقٍ مَنشُورٍ (طور / ۳)

وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا (إسراء / ۱۳)

پراکندگی و متفرق شدن:

فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا (أحزاب / ۵۳)

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ (جمعه / ۱۰)

احیاء زمین:

وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ (زخرف / ۱۱)

و احیاء مردگان:

ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ (عبس / ۲۲)

آمده است.

۳-۳) دیگر شواهد درون‌متنی و برون‌متنی

شواهد قرآنی دیگری هم از وفاق همین مصادیق که مفسران برشمرده‌اند با آیه چهارم سوره مرسلات — فَأَلْفَارِقَاتٍ فَرَقًّا — نشان دارد. برای نمونه، در آیاتی معجزات و آیات، کتب انبیاء و قرآن فرقان نامیده شده است (بنگرید به: بقره/ ۳۵؛ انبیاء/ ۴۸؛ فرقان/ ۱؛ بقره/ ۱۸۵) و در مقام تعلیل می‌توان گفت ملائکه با انزال وحی بر انبیاء، بین حق و باطل جدایی می‌افکنند و انبیاء و اوصیاء نیز به سبب برخورداری از بالاترین مراتب ایمان و تقوا از ویژگی «فرقان» بهره‌مند (انفال/ ۲۹) و خود فارق حق و باطل اند. توصیف علی (ع) با وصف «فاروق» در در روایات مختلف (بنگرید به: صفار، بصائر الدرجات، ۱/ ۵۳، ۲۰۲-۱۹۹، ۴۱۵-۴۱۶؛ عیاشی، التفسیر، ۱/ ۴؛ کلینی، الکافی، ۱/ ۱۹۸-۱۹۶؛ ابن بابویه، الامالی، ۲۶، ۳۱، ۲۰۶) هم صحت استعمال این تعبیر درباره انسان‌های خاصی از اولیاء خدا را نشان می‌دهد.

دیگر مصداق مذکور برای مرسلات یعنی ملائکه نیز بر پایه آیاتی از قرآن القاء‌کننده ذکر بر

فرستادگان الهی اند:

أَلْقَى الذِّكْرَ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا (قمر/ ۲۵).

و انبیاء و اوصیاء هم القاء‌کنندگان ذکر بر مردم:

فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ (غاشیه/ ۲۱).

خود قرآن هم در آیاتی با ذکر پیوند می‌خورد. مثلاً در جایی قرآن اسباب القاء ذکر

شناسانده می‌شود:

فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ (ق/ ۴۵).

گاه نیز تصریح می‌شود که قرآن خود، ذکر است:

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ (یس/ ۶۹)

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (حجر/ ۹)

گاه نیز گفته می‌شود که قرآن حاوی ذکر است (ص/ ۱) و برای ذکر فروفرستاده شده است (بنگرید به: قمر/ ۱۷، ۳۲، ۲۲، ۴۰؛ اسراء/ ۴۶). جای دیگر گفته می‌شود که آیات الهی عموماً از چنین کارکردی برخوردار اند که سبب تذکیر می‌شوند:

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ (سجده/ ۲۲؛ كهف/ ۵۷)

قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ (أنعام/ ۱۲۶)

وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِآذَنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (بقره/ ۲۲۱).

همین فایدهٔ آیات الهی برای متذکرشدن افراد است که سبب می‌شود ساحران پس از مشاهدهٔ معجزهٔ موسی (ع) دچار تحول شوند (شعراء/ ۴۳-۴۸؛ اعراف/ ۱۱۵-۱۲۲).

هدف از القاء ذکر بستن راه هر گونه عذر و انذار و اتمام حجت است:

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ * لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ (یس/

۷۰-۶۹)

رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ (نساء/ ۱۶۵).

همین معنا در روایات متعددی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. برای نمونه، از قول علی (ع) نقل شده است که دربارهٔ پیامبر اکرم (ص) فرمود:

وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا ص عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ أُرْسِلَهُ لِإِنْفَازِ أَمْرِهِ وَ إِنْهَاءِ عُنْدِهِ وَ تَقْدِيمِ نَذْرِهِ

(نهج البلاغه، خطبه ۸۳). *م‌انسانی و مطالبات فرنگی*

ترجمه: گواهی می‌دهم که محمد (ص) بنده و فرستادهٔ خدا ست؛ او را فرستاد

برای روان ساختن فرمان و بستن راه عذر بر مردمان و بیم دادن از کیفر آن جهان.

در برابر شواهد فوق که همگی با تفسیر «مرسلات» به پیامبران الهی سازگارتر اند، مقبولیت

انطباق سوگندها بر ریاح هم از مؤیدات روایی برخوردار است. روایتی از علی (ع) مقصود از

«فَالْعَاصِفَاتُ عَصْفًا» (مرسلات/ ۲) را ریاح می‌شناساند (طبری، جامع البیان، ۲۹/

۱۴۱-۱۴۲). در حدیثی منسوب به پیامبر (ص) نیز بادها به هشت نوع تقسیم شده، و «مرسلات»

در زمرهٔ بادهای رحمت قرار گرفته‌اند (سیوطی، الدر المنثور، ۳۰۳/۶). در روایاتی نیز مصداق

«فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا» (مرسلات/ ۵) ملائکه‌ای معرفی شده‌اند که ذکر را بر پیامبر (ص) و امام (ع) القاء می‌نمایند (مجلسی، بحار الانوار، ۳۰ / ۲۶۱). براین پایه، ضروری است «مرسلات» بر معنایی چنان عام حمل شود که همه این تفاسیر مختلف را تاب آورد.

نتیجه

برپایه آنچه مرور شد به نظر می‌رسد که در تفسیر آیات آغازین سوره مرسلات باید از حصر معنا بر مصداقی خاص پرهیز کرد و هرآنچه با مجموع شواهد درون‌متنی و برون‌متنی سازگار باشد را هم‌چون مصداق مرسلات پذیرفت. افزون بر ظاهر آیات، بررسی جامع‌تر هم خانواده‌ها و مشتقات واژگان کار بسته در آیات قرآن، سیاق آیات، و روایات مختلف همگی آشکار می‌کند که هدف این آیات حصر معنا در مصداقی بخصوص نبوده، و هدف سوره نیز با تعدد مصداق «مرسلات» – و به تبع آن، تعدد مصداق دیگر مفردات مذکور در شش آیه نخست – سازگارتر است. در سخن از مصداق مختلفی که می‌توان برپایه بررسی شواهد پیش‌گفته برای مرسلات برشمرد باید به ریا، ملائکه، آیات الهی (اعم از معجزات پیامبران (ع) یا وحی ایشان)، انبیاء و اوصیاء اشاره کرد.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن بابویه، محمد بن علی، *الخصال*، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، جامعهٔ مدرسین، ۱۳۶۲ش.
- ۳- _____ *الامالی*، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ش.
- ۴- _____ *ثواب الأعمال*، قم، شریف‌رضی، ۱۴۰۶ق.
- ۵- ابن فارس، احمد، *مقاییس اللغة*، به کوشش عبدالسلام محمد هارون، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ۶- بقاعی، ابراهیم بن عمر، *نظم الدرر*، به کوشش عبدالرزاق غالب مهدی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۷ق.
- ۷- حویزی، عبد علی بن جمعه، *نور الثقلین*، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
- ۸- خامه‌گر، محمد، *ساختار هندسی سوره‌های قرآن کریم*، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۹۵ش.
- ۹- _____ «تفسیر ساختاری سورهٔ بینه با تبیین قواعد روش تفسیر ساختاری سوره‌های قرآن»، *مطالعات تفسیری*، شمارهٔ ۳۷، سال دهم، ۱۳۹۸ش.
- ۱۰- خطیب، عبد الکریم، *التفسیر القرآنی للقرآن*، بیروت، دارالفکر العربی، ۱۴۲۴ق.
- ۱۱- خلیل بن احمد، *العین*، قم، هجرت، ۱۴۰۹ق.
- ۱۲- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، به کوشش صفوان عدنان داوودی، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
- ۱۳- زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف*، به کوشش مصطفی حسین احمد، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
- ۱۴- سبزواری، محمد، *الجدید فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۶ق.
- ۱۵- سرپرست، فاطمه و رحیمی‌نژاد، محمدکاظم، «سبک‌شناسی سورهٔ مرسلات بر مبنای سطح زبانی»، *مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم*، سال سوم، شمارهٔ دوم، شمارهٔ پیاپی ۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۹ش.
- ۱۶- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، *الدر المنثور*، قم، کتاب‌خانهٔ مرعشی، ۱۴۰۴ق.

- ۱۷- صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات*، به کوشش محسن کوچه‌باغی، قم، کتاب‌خانه مرعشی، ۱۴۰۴ق.
- ۱۸- طباطبایی، محمدحسین، *قرآن در اسلام*، تهران، اسلامیه، ۱۳۵۳ش.
- ۱۹- _____ *المیزان*، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۰ق.
- ۲۰- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
- ۲۱- طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
- ۲۲- عیاشی، محمد بن مسعود، *التفسیر*، تهران، اسلامیه، ۱۳۸۰ق.
- ۲۳- فخر رازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- ۲۴- فضل‌الله، محمد حسین، *من وحی القرآن*، بیروت، دارالملاک، ۱۴۱۹ق.
- ۲۵- فلاح، ابراهیم و شفیع پور، سجاده، «کاربردشناسی نشانه‌های آوایی در نظام معنایی قرآن کریم: تحلیل موردی سورهٔ مرسلات»، *پژوهش‌های قرآنی در ادبیات*، سال دوم، شماره ۱، شماره پیاپی ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۴ش.
- ۲۶- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، به کوشش علی‌اکبر غفاری، تهران، اسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- ۲۷- مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- ۲۸- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
- ۲۹- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۱ش.
- ۳۰- میدانی، عبدالرحمان حسن، *معارض التفکر*، دمشق، دارالقلم، ۱۳۶۱ق.
- ۳۱- نوش‌آبادی، کاوه و دیگران، «جستاری سبک‌شناسانه به سورهٔ مبارکهٔ مرسلات»، *پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی*، سال هفتم، شماره اول، شماره پیاپی ۲۳، خرداد ۱۳۹۵ش.

Bibliography

1. The Holy *Qur'an*
2. 'Āyyāshī, Mūḥammad b. Mas'ūd, *al-Tafsīr*, Tehran, Īslāmīyyah, 1380 SAH.
3. Biqā'i, Ibrāhīm b. 'Ōmar, *Naẓm al-Durar*, ed. 'Ābd al-Razzāq Ghālib Maḥdī, Beirut, Dār Al-Kutub al- 'Ilmiyyaa, 1427 AH.
4. Faḥlullāh, Muḥammad Ḥusayn, *Mīn Wahy al-Ḳur'an*, Beirut, Dāral milāk, 1419 AH.
5. Fakhruddīn Rāzī, Muḥammad b. 'Umar, *al-Tafsīr al-Kabīr*, Beirut, Dār Ihyā' al-Turāth al-'Arabī, 1420 AH.
6. Fallah, Ibrāhīm & Shafi'pūr, Sajjād, "The Application of Phonetic Signs in the Semantic System of the Holy *Quran*: a Case Study of Surah Mursalāt", *Quranic Researches in Literature*, vol. 2, no. 1 (3), spring and summer 2015.
7. Ḥuwayzī, 'Ābd 'Alī b. Djum'a, *Tafsīr Nūr al-Thaqalayn*, Qom, Ismā'īlīan publication, 1415 AH.
8. Ibn Bābwayh, Muḥammad b. 'Alī, *al-Khiṣāl*, Qom, Djāmā'at al-Mudarrisīn, 1362 SAH.
9. _____ *Al-'Amālī*, Tehrān, Kitābchī, 1376 SAH.
10. _____ *Thawāb al-'Amāl wa 'Iqāb al-'Amāl*, Qom, Dār al-Sharīf al-Raḍī, 1406 AH.
11. Ibn Fāris, Aḥmad, *Mu'jam Maqāyīs al-Luqa*, ed. 'Ābd al-Salām Muḥammad Harūn, Tehran, Maktabat al-Ilām al-Islāmi, 1404 AH.
12. Khālīl b. Aḥmad, *al-'Ayn*, Qom, Hejrat, 1409 AH.
13. Khāmegar, Muḥammad, "Geometric structure of the The Surahs Of The Holy Qur'an", Tehran, International Publishing Company, 1395 SAH.
14. _____ "The Structural Interpretation Of The Surah Al-Bayyina Through Explaining the Rules of The Structural Interpretation Method of The Suras of The Qur'an", *Quarterly Commentary Studies*, Spring 2019 , Volume 10 , Number 37.
15. Khatīb, 'Ābd al-Karīm, *al-Tafsīr al-Qurānī lil Qurān*, Beirut, Dār al-Fikr al-'Ārabī, 1424 AH.
16. Kulaynī, Muḥammad b. Ya'qūb, *al-Kāfi*, ed. 'Āli Akbar Ghaffārī, Qom, Dār al-Kutub al-Islāmīyya, 1407 AH.
17. Majlisī, Muḥammad Bāqir, *Biḥār al-Anwār*, Beirut, Dār Ihyā' al-Turāth al-'Arabī, 1403 AH.

18. Makārim Shīrāzī, Naṣīr, *Tafīr Nīmūna*, Tehrān, Dār al-Kutub al-Islāmīyya, 1371 SAH.
19. Maydāni, ‘Abd al-Raḥmān Ḥasan, Ma‘ārīdj al-Tafakkur, Damascus, Dār al-Qalam, 1361 SAH.
20. Mūstafawī, Ḥasan, *al-Taḥqīq fī Kalimāt al-Qurān al-Karīm*, Tehrān, Ministry of Culture and Islamic Guidance, 1368 SAH.
21. Noushābādī, Kaveh et al, “Stylistical Research on Surah Mursalat”, *Journal of Literary Criticism and Stylistics Research*, vol. 7, no. 1 (23), spring 2016.
22. Rāghīb Iṣfahānī, Ḥusayn b. Muḥammad, *al-Mufradāt*, ed. Ṣafwān ‘Ādnān Dāwūdī, Beirut, Dār al-Qalam, 1412 AH.
23. Sabziwārī, Muḥammad, *al-Jadīd fī Tafīr al-Qurān al-Majīd*, Beirut, Dar al-Ta‘āruf lil-Maṭbū‘āt, 1406 AH.
24. Ṣaffār, Muḥammad b. Ḥasan, *Baṣā‘ir al-Drajāt*, ed. Moḥsen Kuche Baghi, Qom, Mar‘ashī Library, 1404 AH.
25. Sarparast, Fatemeh & Rahimi Nezhad, Mohammad Kazem, “Stylistics of Surah Al-Mursalāt Based on Language Level”. *Stylistic Studies of the Holy Quran*, vol. 5, year 3, no. 1, 2020.
26. Suyūṭī, ‘Abd al-Raḥmān b. AbīBakr, *al-Durr al-Manthūr*, Qom, Mar‘ashī Library, 1404 AH.
27. Ṭabarī, Muḥammad b. Jarīr, *Jāmi‘ al-Bayān*, Beirut, Dār al-Ma‘rifa, 1412 AH.
28. Ṭabarsī, Fadhl b. Ḥasan, *Madjma‘ al-Bayān*, Tehran, Naser Khosrow Press, 1372 SAH.
29. Ṭabāṭabāyī, Muḥammad Ḥuseyn, *Qurān in Islam*, Tehran, Dār al-Kutub al-Islāmīa, 1353 SAH.
30. ————— *Al-Mizān*, Tehran, Islāmīyya, 1390 SAH.
31. Zamakhsharī, Maḥmūd b. ‘Ūmar, *al-Kashshāf*, ed. Mustafā Ḥusayn Aḥmad, Beirut, Dār al-Kitāb al-‘Arabī, 1407 AH.